

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده‌ی موسیقی

پایان‌نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نوازندگی موسیقی جهانی

عنوان:

پیدایش و تکامل آرتیکولاسیون

استاد راهنما:

آقای ابراهیم لطفی

عنوان بخش عملی

رسیتال ویولن به همراهی پیانو

استاد راهنمای بخش عملی:

آقای ابراهیم لطفی

استاد مشاور

آقای هوشیار خیام

نگارش و تمقیق

تینا جامه گرمی

شهریور ۱۳۸۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهد نامه

اینجانب تینا جامه گرمی اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزای مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است . برداشت از نوشته ها ، کتب ، اسناد ، مدارک و تصاویر پژوهش گران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیر فارسی) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه ی تحقیق علمی صورت گرفته است . بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسئولیت آن مستقیماً به عهده ی اینجانب خواهد بود .

امضا:

تاریخ:

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که در تمام دوران زندگی صبورانه مشوق من بوده اند

پیشگفتار

سپاس خدای را

که مرا توان آن داد تا با یاری استاد عزیز جناب آقای ابراهیم لطفی گام دیگری در

عرصه ی موسیقی به جلو بردارم . و

سپاس از بزرگواران

جناب آقای دکتر هوشیار خیام (استاد مشاور) , استاد ارجمند آقای شریف لطفی

(ریاست محترم دانشکده موسیقی دانشگاه هنر) و سرکار خانم نیلوفر بدره کوهی

(مدیر محترم گروه موسیقی جهانی) . و

سپاس از همکاران و دوستان عزیز

آقایان پژمان خلیلی و ایمان فخر که در تنظیم بخش نظری مرا یاری نمودند. و

آقای بهنام ابوالقاسم که در اجرای بخش عملی به عنوان آکمپانیمنیست مرا

همراهی می کنند. و

سپاس از مادرم

عزیزی که هر چه دارم از اوست.

چکیده فارسی :

این پایان نامه به بررسی اجمالی موضوع بسیار عمیق آرتیکولاسیون در ویولن می پردازد . سعی شده است تاثیر موارد زیر بر آرتیکولاسیون بررسی می شود :

۱- تاثیر ریتم و جمله بندی بر آرتیکولاسیون

۲- تاثیر تاریخ موسیقی ، سبک شناسی و سیر تحول و تکامل ساز بر آرتیکولاسیون

۳- شرح مختصری از تکنیک های دست راست ویولن

۴- تاثیر آکوستیک بر آرتیکولاسیون

این پایان نامه می تواند برای نوازندگان ویولن و همچنین برای آهنگسازها مفید باشد.

واژه های کلیدی

آرتیکولاسیون دینامیک تریل آکوستیک

سبک لگاتو ترمولو گلیساندو

باروک دتاشه تنوتو کل لنیو

کلاسیک پورتاتو استاکاتو پیتزیکاتو

رومانتیک مارته اسپیکاتو سوتیه

مدرن آکسان سول پونتی چلو ریتم

فهرست مطالب

۲ مقدمه
۴ آرتیکولاسیون در ریتم های مختلف
۱۱ دوره باروک
۱۸ دوره کلاسیک
۲۴ دوره رمانتیک
۲۹ دوره مدرن
۳۳ آرتیکولاسیون ها یا تکنیکهای آرشه
۶۴ تاثیر آکوستیک بر آرتیکولاسیون
67 منابع و ماخذ

مقدمه

هنر نوازندگی موضوعی فراتر از اجرای صحیح نت ها است. در غیر این صورت می توانستیم به جای واژه ی هنر از کلمه تکنیک استفاده کنیم. نوازندگی هنگامی هنر محسوب می شود که نوازنده بتواند روحی در کالبد بی جان نت ها دمیده و ایده های مکتوب آهنگساز را دوباره به جملاتی موسیقایی تبدیل کند.

برای رسیدن به این مهم نوازنده باید علاوه بر تسلط کامل بر تکنیک ساز خود شناختی کامل از تاریخ موسیقی، سبک شناسی، فرم و آنالیز، موزیکالیت، تاریخ تکامل ساز، زندگی و جامعه شناسی عصر آهنگساز و داشته باشد تا بتواند با اشراف کامل بر موسیقی به اجرایی تاثیر گذار نزدیک شود.

از عوامل بسیار مهم در اجرایی موثر رعایت صحیح آرتیکولاسیون (articulation) می باشد. آرتیکولاسیون در لغت به معنای مفصل بندی، تلفظ شمرده، طرز گفتار است و به طور کلی اشاره دارد به اینکه چطور اجزای یک جسم به یکدیگر متصل می شوند، به طور مثال؛ چگونه استخوان های یک اسکلت به یکدیگر متصل شده و یا چگونه اتصال سیلاب ها به یکدیگر لغت را به وجود می آورند. آرتیکولاسیون در حقیقت بیانگر شیوه ی اتصال اجزای مختلف یک قطعه یا بند منسجم و معنی دار می باشد.

قطعه یا بند در موسیقی نت های منحصر به فردی هستند که مانند یک رشته به هم متصل شده اند و یک خط ملودی یا باس و یا هارمونی را تشکیل داده اند، و در واقع آرتیکولاسیون به ما کمک می کند تا به بیانی صحیح از یک بند یا جمله برسیم. حرکت ها و ضربه ها و در مقابل ایست ها و کشش ها از عوامل بسیار مهم در ایجاد آرتیکولاسیون در موسیقی می باشند.

در بسیاری از جهات آرتیکولاسیون در موسیقی قابل مقایسه با خواندن شعر و یا ادای دیالوگ ها توسط یک بازیگر می باشد. خواندن شعر و یا بیان دیالوگ بدون توجه به آرتیکولاسیون و بیان صحیح کلمات نه تنها باعث اجرایی کسل کننده و بی روح است بلکه می تواند به اصل اثر هم لطمه وارد کند. اجرای موسیقی هم بدون رعایت آرتیکولاسیون صحیح از این قاعده مستثنی نیست و می تواند اجرا را به اجرای مونوتن (monotone) و کسل کننده تبدیل کند.

در اجرای موسیقی مقوله آرتیکولاسیون از دو منظر قابل بررسی است :

۱- همان گونه که در زبان شناسی ، تاکید بر روی سیلاب های خاص می تواند لهجه و یا گویشی خاص ایجاد کند و یا حتی معنی کلمات و یا جملات را عوض کند ، در موسیقی نیز تاکید بر روی نت های خاص و یا ارزش های ریتمیک خاص می تواند بیان جملات موسیقی را به کلی تحت تاثیر خود قرار دهد.

۲- شیوه ی اجرای نت و یا گروهی از نت ها می تواند بیان و تلفظ جمله موسیقی را تحت تاثیر خود قرار دهد . تکنیک های مختلف باعث ایجاد شخصیت های مختلف در نت ها می شود در نتیجه آرتیکولاسیون های متفاوتی به دست می آید. بطور مثال اجرای چند نت به شکل لگاتو با اجرای همان نت ها به شیوه ی استاکاتو بسیار در صدا دهی متفاوت است .

از طرفی دیگر از منظر دوم ، بعضی از آرتیکولاسیون ها مختص به یک یا چند ساز هستند و توسط سازهای دیگر قابل اجرا نمی باشد بطور مثال اجرای پیتزیکاتو (pizzicato) مخصوص به سازهای زهی بوده و سازهای بادی توانایی اجرای چنین آرتیکولاسیونی را ندارند . در سازهای زهی معمولا اجرای آرتیکولاسیون با آرشه و در سازهای بادی با زبان زدن صورت می گیرد.

از نکات غیر قابل چشم پوشی در مقوله ی آرتیکولاسیون بدون شک تاریخ موسیقی و سبک شناسی و تاریخ تکامل سازها می باشد . چون ما در دوران های مختلف موسیقی با بافتهای مختلف صوتی مواجه می شویم بنابراین نوازنده باید با توجه به بافت موسیقی آرتیکولاسیون ها را به شیوه ای اجرا کند که اثر با حال و هوای همان دوران اجرا گردد. از طرف دیگر نوع سازهای استفاده شده در دورانی خاص می تواند شیوه ی اجرای نوازنده را کاملا تحت تاثیر قرار دهد. به طور مثال استفاده از آرشه های کمانی شکل در دوران باروک بدون شک در کیفیت اجرایی آرتیکولاسیون های مختلف تاثیر زیادی داشته است .

از آنجایی که توضیح کامل اجرای آرتیکولاسیون ها در سازهای مختلف از حوصله ی یک پایان نامه خارج است ، در این نوشته سعی شده تا خواننده با برخی از امکانات اجرایی و آرتیکولاسیون های مختلف ساز ویولن آشنا شده و همچنین تا حدودی شیوه ی اجرای صحیح آرتیکولاسیون ها در این ساز توضیح داده شود .

آرتیکولاسیون در ریتم های مختلف

- رعایت آرتیکولاسیون در ریتم های آثار و قطعات موسیقی ، اولین و مهم ترین نکته از نکات مربوط به موزیکالیت است . انجام این مهم به چگونگی بیان ریتم ها از راه تقسیمات متریک در آنها بستگی دارد . تفاوت نمونه های ریتم در تنوع تقسیمات زمانی آنها می باشد که می توان به صورت قراردادی ، این تفاوت ها را به دو دسته تقسیمات زمانی کوچک و به نسبت بزرگتر تفکیک نمود .

تقسیمات زمانی کوچک در ریتم ها " حرکت " و تقسیمات زمانی بزرگ را " ایست " می گوئیم .

مثال خط ریتمیک ساده بدون سکوت



مثال خط ریتمیک ترکیبی بدون سکوت



با دقت در مثال های فوق در می یابیم که هر " آرتیکوله " در تقسیمات زمانی ریتم های بدون سکوت متشکل از " حرکت " یا " حرکاتی " است که به " ایست " یا " ایست ها " منتهی می شود . ضمناً هر یک از آرتیکوله ها به طور جداگانه با علامت " نشان داده شده است

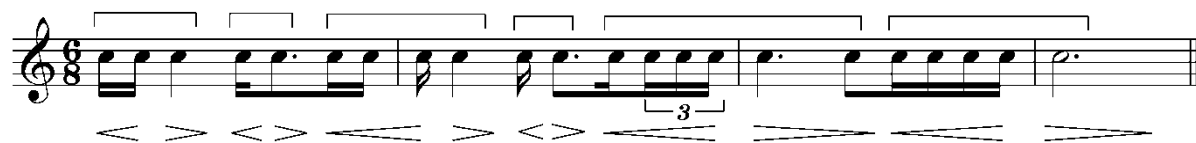


در هر یک از تقسیمات "آرتیکولاسیون" (چنانچه در مثال های فوق با علامت " نشان داده شده است)، باید به هنگام اجرا خیز و افتی ظریف از نظر دینامیکی صورت پذیرد نحوه انجام این خیز و افت ظریف صوت هر یک از آرتیکوله ها، همانند حالتی است که در فن بیان برای آغاز، اوج و انتهای مفاهیم (بنابر قرار گرفتن واژه ها در کنار هم) به صورت طبیعی مورد استفاده قرار می گیرد. خیز دینامیکی صوت در نمونه ریتم های بدون سکوت لازم است روی "حرکت" یا "حرکات" و نیز افت دینامیکی صوت باید روی "ایست" یا "ایست ها" به کار گرفته شود.

مثال خط ریتمیک ساده بدون سکوت با علایم خیز و افت صوتی



مثال خط ریتمیک ترکیبی بدون سکوت با علایم خیز و افت صوتی

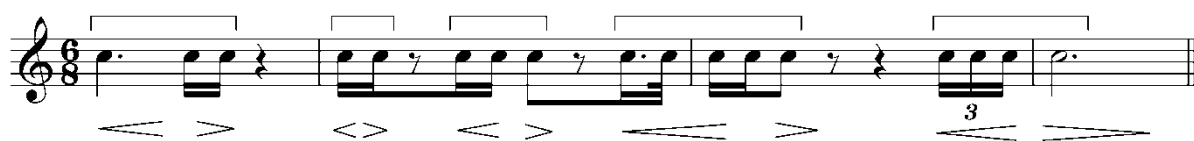


عمل خیز و افت صوتی در هر یک از آرتیکوله ریتم های با سکوت می تواند بنا بر نظر اجرا کننده تقریباً در تقسیم مساوی برش آرتیکوله مربوطه ، انجام پذیرد . به عبارتی دیگر در آرتیکوله هایی که از برش سکوت ها حاصل شده است ، عمل خیز و افت صوتی به حرکت یا حرکاتی و ایست یا ایست ها ارتباطی ندارد.

مثال خط ریتمیک ساده با سکوت با علائم خیز و افت صوتی



مثال خط ریتمیک ترکیبی با سکوت با علائم خیز و افت صوتی



لازم به ذکر است ، خیز و افت هایی که در هر یک از تقسیمات "آرتیکولاسیون" ریتم ها اتفاق می افتد ، نباید با علائم کرشندو یا دکرشندو که برای رعایت دینامیک آثار مورد استفاده قرار می گیرند ، اشتباه گرفته شود . طبیعی است علائم متنوع دینامیک ، علی رغم وجود خیز و افت صوتی آرتیکولاسیون ها در آثار موسیقی ، به طور مستقل ایفای نقش می نمایند و با توجه به اعمال آنها (علائم دینامیک) از جانب آهنگسازان در آثار ، لازم است به اولویت رعایت دینامیک نسبت به خیز و افت صوتی آرتیکولاسیون (در صورت منافات داشتن اجرای آنها به صورت هم زمان) تاکید شود .

Allegro

The image shows two staves of musical notation. The first staff begins with a treble clef, a key signature of two flats (B-flat and E-flat), and a 2/4 time signature. The tempo is marked 'Allegro'. The music starts with a rest followed by a series of eighth and sixteenth notes. A dynamic marking 'p' (piano) is placed below the first measure. The second staff starts at measure 6 and continues with similar rhythmic patterns. Both staves feature phrasing slurs and dynamic hairpins indicating crescendos and decrescendos.

W.A.Mozart Symphony No.39-Finale

- ارزش های ریتمیکی که در قطعات و آثار موسیقی به صورت برابر تقسیم شده و با خط اتصال (لگاتو) به هم متصل شده اند ، لازم است به هنگام اجرا تکیه بیشتری روی ارزش (نت) اول انجام پذیرد . این امر در سازهای زهی با نشست و وزن بیشتر انگشت مربوطه روی سیم مورد نظر همراه با اندکی ایست یا با وزن و مصرف بیشتر آرشه و یا وزن بیشتر زخمه و در سازهای بادی با تاکید و حجم تنفسی بیشتر روی نت مورد نظر اجرا می گردد . انجام تکیه در سازهای کلاویه دار تنها با اندکی ایست بیشتر روی نت مربوطه امکان پذیر است.

علامت تکیه روی نت های مورد نظر در مثال های فوق به شکل (u) نشان داده شده است . و در بسیاری موارد با شکل (-) در بالای نت ها نشان داده می شود.

مثال



مثال



L.V.Beethoven Sonatine No.1

- آن دسته از ارزش های ریتمیک که در قطعات و آثار موسیقی به صورت نا برابر تقسیم شده باشد ، عمل تکیه بر روی ارزش تقسیم شده کوچکتر قرار می گیرد.البته به سرعت اجرا نیز مربوط می شود.

مثال



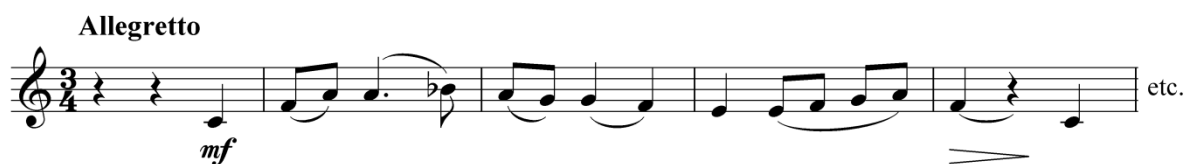
مثال



W.A.Mozart Piano Concerto K.V.414

- در قطعات و آثار موسیقی ، نت هایی که در انتهای نیم جمله ، جمله و یا پرپود ها واقع شده و پس از آنها سکوت قرار می گیرد ، کشش نت های مذکور لازم است تا مقداری از ابتدای زمان سکوت تداوم یابد . رعایت این مهم به منظور دسترسی به امکان فرصت زمانی لازم برای اجرای افست صوتی نت مورد نظر است .

مثال



Johannes Brahms German Folk Song

مثال



L.V.Beethoven German Dance woO 13

دوره باروک

موسیقی باروک (۱۷۵۰-۱۶۰۰)

سبک باروک در موسیقی، در دوره ای میان سال های ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی شکوفا شد. از آهنگسازان مهم این دوره می توان به گئورگ فریدریش هندل، یوهان سباستیان باخ اشاره کرده که با مرگ باخ در ۱۷۵۰، این دوره به پایان رسید. دوره باروک را می توان به سه دوره ی: باروک آغازین (۱۶۴۰-۱۶۰۰)، باروک میانی (۱۶۸۰-۱۶۴۰) و باروک پایانی (۱۷۵۰-۱۶۸۰) تقسیم کرد.

دوره ی آغازین باروک (۱۶۴۰-۱۶۰۰) یکی از انقلابی ترین دوران های تاریخ موسیقی بوده است. آهنگسازان باروک آغازین بافت هوموفونیک را برای بافت پلی فونیک که شاخص موسیقی رنسانس بود ترجیح دادند. آن ها بر این باور بودند که کلام، با بکار گیری فقط یک ملودی اصلی، که آکورد هایی، که آن را همراهی کنند می تواند وضوحی بیشتر بیابد. اما توجه کنید که این تاکید نو آورانه بر هوموفونی فقط شاخص دوره ی آغازین باروک است. در دوره ی آغازین باروک، صداهای آوازی با خط هایی ملودیک که ویژه ی ساز به نگارش در آمده بود همراهی می شد.

در دوره میانی باروک (۱۶۸۰-۱۶۴۰) سبک موسیقایی جدیدی که از ایتالیا نشات گرفته بود در تمام کشور های اروپایی گسترش یافت. مد های قرون وسطایی یا کلیسایی (گام هایی که سده های متمادی بر موسیقی حاکم بوده اند) به تدریج جای خود را با گام های ماژور و مینور سپردند و این گام مبنای تونال اغلب آثار موسیقی بوده اند. موسیقی سازی در این دوره اهمیت ویژه ای پیدا کرد و بسیاری از آثار این دوره برای سازهایی معین به نگارش در آمده اند که در این میان ساز های خانواده ی ویولن محبوب ترین سازها بوده اند.

در دوره ی پایانی باروک (۱۷۵۰-۱۶۸۰) بسیاری از جنبه های هارمونی مانند تاکید بر استفاده از گرایش آکورد دومینانت (آکورد درجه پنجم گام) به آکورد تونیک پدید آمد. اگر در دوره ی آغازین باروک آهنگسازان بر بافت هوموفونیک تاکید داشتند، آهنگسازان دوره ی پایانی در هنر پلی فونی بسیار درخشیدند.

ویژگی های موسیقی باروک

• یگانگی حالت

یک قطعه ی باروک ، اغلب فقط بیان گر یک حالت است (قطعه ای که شاد آغاز می شود و تا پایان شاد می ماند). در این قطعه ها احساساتی همچون سرور و حزن و هیجان بیان شده است . آهنگسازان برای تجسم نمود های احساس ، زبانی موسیقایی پدید آوردند . در این زبان ، ریتم ها یا الگوهای ملودیک ویژه ای به حالت های معین اشاره داشتند . این زبان موسیقایی مشترک ، بیشتر آثار موسیقی دوره ی پایانی باروک را از تشابه خویشاوندی برخوردار می کند .

دگر گونی های شدید در احساسات موجود در کلام ، می تواند الهام بخش دگر گونی هایی مشابه در موسیقی همراهی کننده ی آن باشد . اما حتی در چنین مورد هایی نیز حالت پیشین ، پیش از آنکه جایش را به حالت بعدی بدهد مدتی بر قرار می ماند .

• ریتم

یگانگی حالت در موسیقی باروک ، بیش از هر چیز با پیوسته گی و یکنواختی ریتم انتقال داده می شود . الگو های ریتمیکی که در آغاز یک قطعه شنده شده اند ، در طی آن تکرار می شوند این پیوستگی و یکنواختی ریتم ، فراهم آورنده ی نیروی پیش برنده ای است که موسیقی رامطیع خود می کند . در موسیقی باروک ، تاکید بر ضرب بسیار بیش از اغلب آثار موسیقی رنسانس است .

• ملودی

ملودی باروک نیز حسی از پیوستگی و یکنواختی را پدید می آورد . ملودی آغازین یک قطعه بارها و بارها در آن شنیده می شود و حتی هنگامی که به شکلی دگر گون شده نمود می یابد نیز سرشت آن کم و بیش ثابت می ماند . در موسیقی باروک ، ملودی بی وقفه گسترش یافته ، آشکار شده و جنبه های متفاوت آن گشوده می شود . بسیاری از ملودی های باروک کیفیتی پر ریزه کاری دارند